

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مقاله منتشر شده در شماره ۶ مجله آگاهی طبقاتی.

مصاحبه با لیلا غانم برای مجله CNC، آگاهی طبقاتی

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: طاهر باختری

۰۶ می ۲۰۲۵

مصاحبه لیلا غانم، کمونیست لبنانی درباره مقاومت

«آگاهی طبقاتی» با لیلا غانم، کمونیست لبنانی، مصاحبه می‌کند



«جنگ همچنان ادامه دارد و مقاومت برای بازسازی خود، وارد مرحله عقب‌نشینی شده است.»

۱) مقاومت بین شکست و پیروزی

در لبنان و غزه، چه در میان افکار عمومی و چه در درون خود مقاومت، این پرسش بشدت مورد بحث است: آیا ما در

جنگ علیه اسرائیل و امپریالیسم پیروز شده‌ایم یا شکست خورده‌ایم؟

اگرچه آشکار است که مقاومت نبردی حماسی در میدان جنگ به راه انداخت، اما پیامدهای آن از نظر تخریب و تلفات انسانی فاجعه‌بار بود. مقاومت همچنین نتوانست اراده سیاسی خود را تحمیل کند. با این حال، جنگ ادامه دارد و مقاومت، پس از از دست دادن بخش عمده‌ای از رهبری و نیروهایش، برای بازسازی، وارد مرحله عقب‌نشینی شده است.

پس از کشته شدن نصرالله و تحت فرماندهی رادوان — یگان نخبه حزب‌الله — رزمندگان سوگندی محکم یاد کردند: «به روح گرامیت سوگند، از مرزهای فلسطین، در راه آزادی و عدالتی که تو به عنوان شهید پیمودی، که مبارزه را تا تحقق اهداف که اهداف ماست، ادامه خواهیم داد، هر چه هزینه داشته باشد. به مردم صبور، مغرور و وفادارمان سوگند، به ناله‌های تنهای دردمند و زخمیمان، که قاتل بخشوده نخواهد شد و وحشی‌گری‌اش اراده ما را در هم نخواهد

شکست؛ پرچمان از دست‌هایمان نخواهد افتاد، و هر قدر زمان بگذرد، به شما وعده پیروزی می‌دهیم.» دو رویداد مهم تفاوت را نشان داد و اراده ادامه راه مقاومت و عدم تسلیم در برابر دشمن را ثابت کرد:

۱. هجوم گسترده مردم جنوب لبنان در روز آتش‌بس به سوی روستاهایشان در مرز فلسطین. این راهپیمایی طولانی، اغلب پیاده، با درگیری‌هایی با ارتش اسرائیل که سعی در جلوگیری از آن‌ها داشت، همراه بود.

۲. تشییع جنازه نصرالله که یک و نیم میلیون نفر از چهار میلیون لبنانی را گرد هم آورد — رکوردی بی‌سابقه در تاریخ این کشور و شاید جهان. این رویداد آزمونی آشکار در برابر تمام جهان بود؛ اعلامیه‌ای جمعیتی مبنی بر تداوم مبارزه در راه مقاومت ضد اسرائیلی و ضد امریکائی.

در روز تشییع، از ساعات اولیه صبح، جاده‌های منتهی به پایتخت مملو از جمعیت بود، به ویژه مسیرهای که به سمت بقاع و جنوب می‌رفتند. شب قبل از تشییع، هیأت‌هایی از تونس، مصر، ترکیه، افریقای جنوبی، پاکستان، نیجریه، ایرلند، فرانسه، آلمان، سوئیس، یمن، عراق، الجزایر، سودان، استرالیا، ایالات متحده، چیلی و برزیل وارد شدند. موجی واقعی از مردم، با ایدئولوژی‌های انقلابی مختلف، در مبارزه علیه امپریالیسم استعماری غرب — که اسرائیل تنها نوکر آن است — متحد شدند. همه برای تشییع مردی آمدند که بسیاری او را «مبارزی انترناسیونالیست» توصیف کردند، رهبری که نماد مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی بود، مانند چه‌گوارا و هوشی مین.

این تشییع پاسخی بود به اسرائیل، امریکا و دست‌نشانده‌های عرب آن‌ها در خلیج که با دالره‌های نفتی می‌خرند، و همچنین به فاشیست‌های لبنانی که عجولانه سقوط مقاومت را اعلام کرده بودند. شعار واحد راهپیمایی این بود:

«ما همان مسیر رهبر تاریخی خود را ادامه خواهیم داد، بدون تسلیم در برابر هیچ فداکاری.»

«پیروزی خون بر شمشیر است.»

و این شعار، که عزیز نصرالله بود، علی‌رغم همه فداکاری‌ها باقی خواهد ماند.

معنای این شعار، عدم تعادل در رابطه قدرت بین رزمندگانی با سلاح‌های ابتدائی در مقابل سلاح‌های کشتار جمعی مانند جنگنده‌های اف-۳۵ است که نه علیه یک ارتش منظم، بلکه علیه مبارزان مقاومت انقلابی به کار گرفته شد. فلسطینیانی مانند جرج حبش از جبهه خلق برای آزادی فلسطین از «پیروزی گردن بر شمشیر» سخن گفتند، که در پیروزی قهرمانانه و افسانه‌ای رزمندگان مقاومت جنوب لبنان و تونل‌های غزه علیه ارتش اسرائیل — که با تمام امکانات توسط امپریالیسم وحشیانه غرب، به ویژه امریکا، حمایت می‌شد — تجلی یافت.

تشییع پرشمار تأثیر سیاسی مستقیمی بر کسانی داشت که امروز پس از پذیرفتن دیکته امریکائی — تحمیل‌شده از آتش‌بس ۲۷ نومبر ۲۰۲۴ که تحت نظارت کمیسیونی به ریاست امریکا برقرار شد — قدرت را در لبنان در دست دارند. از آن زمان، اسرائیل ۱،۷۵۰ بار آتش‌بس را نقض کرده است.

واشنگتن و تل‌آویب می‌دانند که این موج انسانی که رهبر مقاومت را تا آرامگاهش — که اکنون به زیارتگاه تبدیل شده — همراهی کرد، عملی سیاسی به تمام معنا بود.

از سوی دیگر، رهبری جدید مقاومت که با تلفات فراوان تضعیف شده بود، نیاز داشت تا بشنود که مردم به رهبرانشان می‌گویند آن‌ها نه تنها برای وداع با رهبرشان، بلکه برای تجدید تعهدشان حاضر شده‌اند — با آگاهی کامل از توجیه تاریخی و سیاسی که دارند. این همان چیزی است که مقاومت باید به آن توجه کند، حتی اگر تصمیم بگیرد به مرحله جدیدی از اقدام سیاسی در داخل لبنان یا اشکال جدید مقاومت وارد شود.

نعیم قاسم، رهبر جدید حزب‌الله، می‌گوید:

«مشارکت حزب‌الله در سیاست داخلی و حضور در قدرت، مانع از اقدام آن با مردم و برای مردم — که منبع قدرت، حفاظت و تداوم آن هستند — نخواهد شد.»

حزب‌الله باید در درک واقعیت‌های رخ داده در کشور واقع‌بین باشد، اما باید در بیان تغییر واقعی مورد نیاز لبنان شفاف باشد — نه تنها برای محافظت از مقاومت و حاکمیت آن، بلکه برای محافظت از بقیه مردم لبنان که دشمنان برایشان فتنه‌های متعدد و روزهای سخت اخاذی برای بقاء تدارک دیده‌اند.

خود دشمن هم می‌داند که مقاومت در مدت کوتاهی قادر است روستاهای مرزی را بازسازی کند و بازگشت مردم به روستاها، خانه‌ها و مزارعشان را تسهیل نماید. مردم عینی، ریشه تاریخ هستند و ما چاره‌ای جز ماندن در کنار آن‌ها، توضیح آنچه اتفاق افتاده و بحث درباره گام‌های بعدی با آن‌ها نداریم.

مقاومت تیم‌های تخصصی ایجاد کرده که به صورت تمام‌وقت روی این موارد کار می‌کنند:

- * - یافتن رزمندگان مفقود و بقایای شهداء (با توجه به تمایز مقاومت در توسعه برنامه‌های حفظ بقایای شهدا).
 - * - کمک به خانواده‌های ۵۰۰۰ شهید به‌جامانده در میدان نبرد.
 - * - همکاری با آوارگان جنوب برای بازسازی خانه‌ها یا اسکان مجدد آن‌ها (هزینه بازسازی توسط حزب‌الله به یک میلیارد دلار رسیده، درحالی‌که کل خسارات حدود ۱۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود).
 - * - تأمین خدمات بیمارستانی برای مجروحان.
- به طور خلاصه، همه‌جا کسانی هستند که سعی در التیام زخم‌های بی‌شمار ما دارند.

۲) آتش‌بس در لبنان یا تلاش برای تحمیل دستورکار امریکائی

مأموریت دیپلماتیک امریکا به سرپرستی مورگان اورتاگوس، پس از اظهارات جنجالی‌اش در کاخ بعداً درباره لزوم کنار گذاشتن حزب‌الله از دولت، به نظر می‌رسد مقدمه‌ای برای آغاز مذاکرات لبنان و اسرائیل جهت انعقاد توافق صلح باشد. اما نه دولت لبنان و نه مقاومت — حتی کسانی که خلع سلاح مقاومت را خواستارند — به هیچ‌وجه عادی‌سازی روابط را نمی‌پذیرند.

مقام امریکائی ادعا کرد هدف فعلی، آغاز مذاکرات دیپلماتیک برای حل مسائل فوری مانند:

- * - آزادی زندانیان لبنانی
 - * - تعیین تکلیف پنج نقطه‌ای که اسرائیل تحت آتش‌بس اشغال کرد
 - * - بحث درباره تعیین مرزهای زمینی
- امریکا لبنان را به سمت عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی سوق می‌دهد
- به نظر می‌رسد امریکا مشتاق آغاز مذاکرات صلح با لبنان و سوریه است، همان‌طور که استفان ویتکاف، فرستاده ترمپ به خاورمیانه، اخیراً با ابراز «خوشبینی نسبت به بازگشت عربستان به توافق‌های ابراهیم» اشاره کرد و گفت:
- «تحولات سیاسی منطقه ممکن است به لبنان و سوریه نیز گسترش یابد.»
- لیسا جانسون، سفیر امریکا در بیروت، به سه مقام ارشد دولت هشدار داد:
- «لبنان باید برای فاز بعدی آماده شود؛ مذاکراتی با پایه سیاسی که بر دستیابی به رامحلی جامع و پایدار برای مشکل با اسرائیل متمرکز است.»

استدلال او این است که حزب‌الله در وضعیت بسیار دشواری قرار دارد و دیگر توان مختل کردن یا ارباب را ندارد:

«حزب‌الله به زوری از عهده این وضع برمی‌آید و حتی نمی‌تواند یک منطقه در لبنان را بازسازی کند.»

و نتیجه می‌گیرد که نباید اجازه داد حزب‌الله این وظیفه را انجام دهد، چرا که قدرت آن را در میان توده‌ها مستحکم‌تر می‌سازد.

فرمول پیشنهادی امریکا: تعدیل عملیاتی چارچوب نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱. اما این پیشنهاد به دلایل زیر کاملاً غیرقابل‌پذیرش است:

۱. هیچ توجیهی برای پذیرش این فرمول وجود ندارد — این یک ترفند است و «گروه‌های کاری» صرفاً نامی دیگر برای مذاکرات عادی‌سازی هستند.

۲. آزادی زندانیان مسأله‌ای روشن است — لبنان هیچ زندانی صهیونیستی برای مبادله ندارد، این دشمن است که لبنانی‌ها را از روستاهای جنوب یا مناطق سکونتشان در ساحل جبل لبنان ربوده است.

۳. نقاط تحت اشغال ارتش دشمن، سرزمین‌های لبنانی هستند که به زور تصرف شده‌اند و هیچ توجیه امنیتی یا نظامی برای ادامه اشغال آن‌ها وجود ندارد، جز اعمال فشار بر ساکنان روستاهای مرزی برای جلوگیری از بازگشت و بازسازی.

در واقع، این روند عادی‌سازی در پی آن است که مقاومت را به زور خلع سلاح کند، که این امر به جنگ داخلی منجر خواهد شد، زیرا هیچ نیروئی در لبنان قادر به انجام این مأموریت نیست — اقدامی که باعث فروپاشی ارتش می‌شود (چرا که بدنه اصلی آن را شیعیان و حامیان حزب‌الله تشکیل می‌دهند). یادآوری این نکته ضروری است که حتی رئیس‌جمهور عون به امریکائی‌ها گفت نباید انتظار داشته باشند او کاری را انجام دهد که امریکا و اسرائیل نتوانسته‌اند علیه حزب‌الله به سرانجام برسانند.

انفعال دولت لبنان در برابر خواسته‌های واشنگتن، زمینه را برای مداخله روزافزون امریکا در ساختار کشور فراهم کرده است. این وضعیت تا آنجا پیش رفته که امریکا در انتخاب اعضای دولت، رئیس بانک مرکزی و حتی — تحت عنوان ریاست کمیته نظارت بر آتش‌بس — در تشکیل «گروه‌های کاری دیپلماتیک» که قرار است درباره آزادی زندانیان، خروج کامل نیروها و تثبیت نقاط مرزی لبنان با فلسطین اشغالی مذاکره کنند، نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کند.

رهبر حزب‌الله در سخنرانی عید فطر هشدار داد:

«هرگونه تلاش برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را مردود می‌دانیم.»

وی همچنین خواستار خروج کامل نیروهای اسرائیلی از پنج نقطه ستراتیژیک اشغالی شد:

* - کوه عزیه

* - کوه عرایضه نزدیک اودیسه

* - کوه لبونه در نزدیکی ناقوره در ساحل مدیترانه

* - جبل بلاط

* - کوه حمامات نزدیک شهرک متیله

صندوق بین‌المللی پول به محاصره مالی حزب‌الله می‌دهد

صندوق بین‌المللی پول تلاش‌های خود را برای کنترل «اقتصاد پولی» در لبنان افزایش داده است. در ماه مارچ گذشته، هیأت این نهاد با کمیته فنی انجمن بانکی لبنان دیدار کرد تا پاسخی برای ۱۸ پرسش در سه محور اصلی دریافت کند:

۱. عملکرد بازار ارز و مداخلات بانک مرکزی

۲. محدودیت‌های بانکی بر انتقالات

۳. صدور مجوز برای انتقالات مالی به خارج

درخواست‌های صندوق بین‌المللی پول:

- * - ارائه جزئیات انتقالات بانکی برای تأمین هزینه‌های زندگی خانواده‌ها
 - * - گزارش درباره مداخلات بانک لبنان برای تعیین حجم انتقالات خارجی
- در اکتوبر ۲۰۲۴، لبنان در «لیست خاکستری» قرار گرفت و سه شرط اصلی برای خروج از آن تعیین شد. بر اساس گزارش گروه اقدام مالی (FATF)، یکی از این شروط عبارت بود از:
- «بررسی اقدامات مقامات لبنانی درباره تهدیدات ناشی از فعالیت‌های گروه‌های شبه‌نظامی محلی.»
- به عبارت دیگر، هدف اصلی تحریم و قطع منابع مالی حزب‌الله است — به ویژه بودجه‌های کلانی که این گروه برای بازسازی مسکن اختصاص داده است.

۳) آیا تنها غزه درگیر است؟

قطعاً نه! انگیزه اسرائیل برای ادامه جنگ با محور مقاومت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. نگاهی به جبهه‌های مختلف می‌اندازیم:

الف) کرانه باختری:

- * - نیروهای اشغالگر به عملیات الحاق و جابه جایی اجباری ادامه می‌دهند.
- * - هدف اصلی: تخلیه تمامی اردوگاه‌های فلسطینی و اخراج ساکنان از فلسطین.
- * - تلاش برای حذف ساختار باقی‌مانده از حکومت خودگردان فلسطین و کنترل مدیران محلی تحت شرایط اشغال.

ب) سوریه:

- * - اسرائیل همزمان با قدرتمندتر شدن احمد الشرع (جولانی، رهبر سابق داعش)، عملیات توسعه‌طلبانه خود را آغاز کرد.
- * - این اقدام دقیقاً یک روز پس از آتش‌بس در لبنان (که توسط اسرائیل درخواست و حزب‌الله پذیرفت) صورت گرفت.
- * - اسرائیل به اشغال مستقیم مناطق یا اعمال کنترل امنیتی ادامه می‌دهد.
- * - همچنین در حال تلاش برای ایجاد یک دولت کوچک دروزی‌نشین جدا از خاک اصلی سوریه است.
- * - برای اسرائیل تفاوتی ندارد که رهبر دمشق بشار اسد باشد یا احمد الشرع؛ مهم آن است که سوریه یکپارچه نباشد و هیچ ساختار قدرتمندی در آن وجود نداشته باشد.

ج) عراق:

- * - یک تلاش گسترده اطلاعاتی با همکاری امریکا برای انجام خرابکاری‌ها — و در صورت لزوم، حملات نظامی مستقیم — در جریان است.
- * - هدف اصلی: قطع ارتباط بین عراق و شام، نه لزوماً حذف کامل گروه‌های مقاومت.
- * - اسرائیل می‌خواهد نفوذ خود را در مرز شرقی سوریه گسترش دهد و از امریکا برای احیای درگیری‌ها در عراق بهره می‌گیرد تا هم این کشور را تضعیف کند و هم آن را از ایران دور نگه دارد.

(د) یمن:

* - اسرائیل معتقد است امریکا باید یک ائتلاف جدی متشکل از کشورهای عربی خلیج و برخی کشورهای افریقائی — با حضور خود اسرائیل — تشکیل دهد.

* - هدف: سرنگونی انصارالله، نابودی توانمندی‌های آن و جلوگیری از بازگشت آن‌ها به قدرت در صنعا.

* - این عملیات تنها به حملات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه شامل جاسوسی گسترده (با محوریت اسرائیل) و احیای جنگ داخلی بین شمال و جنوب یمن (با همکاری امارات و اعمال فشار بر عربستان برای مشارکت کامل) است.

(ه) ایران:

* - اسرائیل بدرستی بر این باور است که جمهوری اسلامی، نقطه اتکای اصلی محور مقاومت به شمار می‌رود.

* - این رژیم نه تنها می‌خواهد امریکا مانع از عملیات نظامی علیه تأسیسات نظامی/هسته‌ای ایران شود، بلکه خواهان رهبری یک ائتلاف برای ایجاد انفجار داخلی و سرنگونی نظام است.

* - اسرائیل تمام توان خود را برای به راه انداختن این جنگ به کار خواهد بست و دولت امریکا — با این تصور واهی که «ضربه زدن به ایران درس عبرتی برای جهانیان خواهد بود» — با آن همراهی می‌کند.

* - از دیدگاه اسرائیل، از میان برداشتن تهدید ایران، کلید نابودی کل محور مقاومت — به ویژه در لبنان و فلسطین — محسوب می‌شود.

(و) غزه: پروژه «اسرائیل بزرگ» در حال اجراست

* - ارکان جنبش صهیونیستی به دیوید بن‌گوریون (بنیان‌گذار اسرائیل) خرده گرفتند که چرا مابقی سرزمین فلسطین را به تصرف درنیاورد.

* - جانشینان او کوشیدند «این اشتباه بنیان‌گذار را جبران کنند» به این شرط که فلسطینی‌ها بدون هیچ قید و شرطی تسلیم شوند — نه بیشتر، نه کمتر.

* - این مرحله‌ای تاریک است، اما حماس تسلیم نخواهد شد.

هرچه فلسطینی‌ها در جنگ زدن به آن‌چه از سرزمین‌شان باقی مانده، سرسخت‌تر می‌شوند، اسرائیل بیشتر تلاش می‌کند آن‌ها را به ترک «سرزمین موعود» و واداشتشان به یافتن وطنی جایگزین در بیرون از «ارتز اسرائیل» سوق دهد، تا فلسطین به خانه انحصاری یهودیان بدل شود.

نگرانی اصلی اسرائیل، «مقاومت» در غزه نبود، چرا که این منطقه تحت کنترل جغرافیائی و نظامی اسرائیل قرار داشت، بلکه جلوگیری از تبدیل شدن مقاومت غزه به الگویی برای کرانه باختری بود؛ جایی که در قلب خود اسرائیل واقع شده و چنین الگویی می‌توانست فاجعه‌بار باشد.

از این رو، هدف ستراتیژیک اسرائیل دیگر صرفاً نابودی مقاومت در غزه نیست، بلکه نابود کردن الگوی غزه، خود غزه و درهم کوبیدن آن است، به گونه‌ای که به هشداری برای دیگران تبدیل شود؛ نه فقط برای کرانه باختری، بلکه برای تمام منطقه، و زمینه را برای گذار بزرگ به سوی تحقق رویای صهیونیستی «از نیل تا فرات» هموار سازد.

از منظر اسرائیل، جنگی که اکنون درگیر آن است، یک جنگ محدود نیست، بلکه جنگی آشکار، جنگی موجودیتی و فرصتی بی‌نظیر برای پی‌ریزی اسرائیل بزرگ و دگرگون ساختن چهره کل منطقه است.

اسرائیل در این جنگ تنها نیست. او در یک اتحاد مقدس با ایالات متحده قرار دارد که هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. پروژه‌های امریکا و اسرائیل یگانه هستند. اجرای نسل‌کشی کنونی، مسئولیتی مشترک میان نتانیاهو و ترمپ است. امریکا به اسرائیل اختیار تام داده است تا مأموریتش را بدون هیچ محدودیتی به انجام رسانده و مرزهایش را گسترش دهد. بدین ترتیب می‌کوشد جایگاه دولت صهیونیستی را از یک دست‌نشانده صرف، به یک امپریالیسم کوچک در خاورمیانه ارتقا بخشد. امریکا چراغ سبز نشان داده است تا غزه را آن‌چنان نابود کند که به زمینی خالی مبدل شود؛ مناسب برای ساختن استراحتگاه‌هایی در ساحل.

از همین رو، پروژه «اسرائیل بزرگ» با جدیت پیگیری می‌شود. بنابراین، برای حماس هیچ جز جنگین تا پای مرگ باقی نمانده است. چه با این موضع موافق باشیم چه نباشیم؛ نتیجه یکسان است.

نتانیاهو ممکن است تلاش کند نقشه منطقه را بازطراحی کند، امنیت شخصی خود را با منافع اسرائیل همسو سازد، عادی‌سازی روابط را تحمیل کرده و پرونده مقاومت را مختومه اعلام کند. با این حال، خواسته‌های او با توانمندی‌های همخوانی ندارد. علی‌رغم حمایت امریکا و انفعال رسمی کشورهای عربی، منطقه آماده دگرگونی است. تلاش‌های نتانیاهو برای تحمیل تحقیرآمیزترین شرایط بر جهان عرب، تنها بی‌ثباتی منطقه را تشدید خواهد کرد. از این رو، مسائلی نظیر کوچ اجباری، الحاق اراضی در کرانه باختری، و یهودی‌سازی مسجدالاقصی و قدس، مناقشه را به مسیرهای تعیین‌کننده‌ای سوق خواهد داد و مقاومت را به تنها زبان قابل فهم برای اشغالگران تبدیل خواهد کرد. در نهایت، اگر نتانیاهو و تیمش در پی «حل» مناقشه هستند، در واقع شتاب بخشیدن به پایان اشغال فلسطین را رقم می‌زنند.

امپریالیسم صهیونیستی، ببری کاغذی است.^۴

مشارکت «غرب جمعی» در جنگ نسل‌کشی علیه مردم فلسطین در غزه، ضربه‌ای قاطع به تلاش‌ها برای بازسازی اعتبار گفتمان «نظم بین‌المللی لیبرال» و ادعاهای «برتری اخلاقی» دموکراسی‌های بورژوائی نسبت به سایر نظام‌های سیاسی وارد کرد.

از طریق یک عملیات روانی عظیم، امپراتوری به گونه‌ای جلوه داده می‌شود که از نظر اقتصادی و نظامی قدرتمند است، در حالی که در واقع ضعیف است و هر روز ضعیف‌تر می‌شود. تعامل با امپراتوری مانند مواجهه با یک قلدر در مدرسه است؛ عقب‌نشینی در برابر تهدیدهای او صرفاً موجب جسورتر شدن او می‌گردد. بنابراین، تنها راه مقابله با تجاوز امپراتوری، آمادگی، تجهیز و ورود به جنگ در نخستین فرصت ممکن است.

این را اخیراً بازیگری به کوچکی انصارالله یمن نشان داده است. اگرچه یمن کشوری کوچک و فقیر است، اما تنها کشوری از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل بود که مسئولیت حمایت از ساکنان غزه در برابر نسل‌کشی رژیم صهیونیستی را بر عهده گرفت.

درس مهم دیگری که یمن به جهان آموخت، این بود که راکت‌های ستراتیژیک، راکت‌های مافوق صوت، ناوهای هواپیمابر، تحت البحری‌های هسته‌ای، جنگنده‌های مافوق صوت، تانک‌ها و ارتش‌های میلیونی، در برابر اراده غیرقابل خرید ملت‌ها برای مقابله، بی‌اثرند.

یادداشت‌های مترجم:

- * - توافق‌نامه‌های ابراهیم، پیمان عادی‌سازی روابط میان امارات متحده عربی و اسرائیل است که در سال ۲۰۲۰ در واشنگتن امضاء شد و به توافق‌های پیشین با مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴) پیوست.
- * - قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت (۲۰۰۶) آتش‌بس، عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، استقرار نیروهای یونيفیل، آزادی اسیران اسرائیلی و خلع سلاح گروه‌ها از جمله حزب‌الله را مقرر می‌دارد.
- * - دروزی‌ها گروهی باطنی هستند که در سوریه، لبنان و فلسطین زندگی می‌کنند. در سوریه حدود ۷۰۰ هزار نفرند.
- * - عبارت «ببر کاغذی» از مائو گرفته شده است: «امپریالیسم امریکا ببر کاغذی است.»